

اظهار نظر کارشناسی درباره:

**«طرح اصلاح ماده (۱۷) قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان
حق التدریس و آموزشیاران نهضت سوادآموزی - اصلاحی مصوب ۱۳۸۹»**

مقدمه

طرح اصلاح ماده (۱۷) قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق التدریس و آموزشیاران نهضت سوادآموزی جهت جلوگیری از اخراج معلمان خرید خدمات آموزشی که در سال ۱۳۸۸-۱۳۸۹ و سال‌های قبل با آموزش و پرورش همکاری غیرمستمر داشته‌اند و در آزمون استخدامی آموزش و پرورش موفق به کسب حدنصاب نشده‌اند با هدف ادامه همکاری آنان و همچنین قرار دادن افراد فوق و «نیروهای حق التدریس آموزشکده‌های فنی و حرفه‌ای»، مربیان پیش‌دبستانی و مربیان بهداشت در اولویت استخدام، در صورت وجود مجوز جذب تنظیم شده است.

تاکنون براساس ماده (۶) قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق التدریس و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش مصوب ۱۳۸۸ (موضوع به‌کارگیری ۹۰۰ نفر از مربیان پیش‌دبستانی)، ماده (۱۶) این قانون (موضوع به‌کارگیری معلمان شرکت‌های خدماتی، با سابقه حق التدریس غیرمستمر) و ماده (۱۷) این قانون (با موضوع شرکت معلمان شرکتی با سابقه غیرمستمر در آزمون و کسب حدنصاب لازم و احتساب امتیاز برای سال‌های همکاری) برخی از این معلمان تعیین تکلیف شده‌اند.

بررسی کارشناسی

الف) این پیشنهاد مخالف با ماده (۴۱) قانون مدیریت خدمات کشوری (ورود به خدمت و تعیین صلاحیت استخدامی افراد داوطلب استخدام با رعایت مراتب شایستگی و برابری فرصت‌ها) می‌باشد.

ب) با توجه به اینکه در طرح پیشنهادی (تبصره «۷» ماده (۱۷)، مواد (۲۰) و (۲۱))، موضوع «اولویت در استخدام» مطرح شده است متذکر می‌گردد، اولویت در استخدام نمی‌تواند مشکل فعلی این معلمان را (که می‌تواند قطع همکاری باشد) برطرف نماید.

ج) در طرح پیشنهادی مصوب کمیسیون آموزش و تحقیقات مشکل معلمانی که اخراج شده‌اند به قوت خود باقی است و این افراد نمی‌توانند به استناد مفاد این طرح مجدداً مشغول به کار شوند درحالی که در پیشنهاد اولیه اصلاح ماده (۱۷)، آموزش و پرورش مکلف به ادامه همکاری با معلمان خرید خدمات آموزشی و مربیان پیش‌دبستانی بود که در سال ۱۳۸۸-۱۳۸۹ و سال‌های قبل با آموزش و پرورش همکاری داشتند.

د) به‌کارگیری نیروهای شرکتی به استناد ماده (۱۳) قانون مدیریت خدمات کشوری وجهه قانونی یافته است و به استناد تبصره «۱» این ماده در حقیقت، در راستای کاهش تصدی‌های دولت انجام می‌شود. نیروهای شرکتی برای تأمین نیازهای مقطعی آموزش و پرورش به کار گرفته شده‌اند. اگر قرار باشد این افراد هم بعد از مدتی توقع استخدام پیدا کنند و مجلس نیز در جهت قانونی شدن آن اقدام نماید خلاف مقررات و خلاف نفس وضع قانون عمل شده است. مضافاً آنکه ماده (۱۷) قانون با تعیین شرط شرکت در آزمون درصدد حل این معضل تصویب شد لذا حذف شرط حد نصاب آزمون را از موضوعیت ساقط می‌کند.

هم) درخصوص مربیان پیش‌دبستانی و مربیان بهداشت نیز آموزش و پرورش در صورت نیاز به آنها بدون تصویب قانون جدید با استفاده از اختیارات قانونی خود می‌تواند اقدام به جذب و استخدام نماید.

و) در مورد نیروهای حق‌التدریسی آموزشکده‌ها نیاز به تعیین تکلیف است، زیرا این گروه مشمول قانون مصوب ۱۳۸۸ و الحاقیه‌های آن بوده‌اند که باید ظرف پنج سال به استخدام آموزش و پرورش درآیند. با توجه به تصمیم آموزش و پرورش به انتزاع آموزشکده‌ها از این دستگاه، به این دسته از معلمان کد پرسنلی داده نشد، لذا با انتقال آموزشکده‌ها به وزارت علوم (براساس ماده (۲۲) قانون برنامه پنجم) در وضعیت بلا تکلیفی قرار گرفتند. از یکسو براساس ماده (۲۳) باید آموزشکده‌ها با کلیه امکانات، اموال منقول و غیرمنقول و نیروی انسانی و دارایی‌ها و تعهدات و مسئولیت‌ها از آموزش و پرورش منتزع و به وزارت علوم منتقل شوند و براساس بند «۱۱۰» قانون بودجه ۱۳۹۰ نیز وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مکلف است که دانشگاه فنی و حرفه‌ای را با استفاده از فضا و نیروی انسانی موجود در آموزشکده‌های فنی و حرفه‌ای تشکیل دهد. ازسوی دیگر وزارت علوم حاضر به استخدام این گروه نیست، زیرا با ضوابط جذب و ارتقای اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها منطبق نیستند و در وزارت علوم قانونی برای استخدام مربیان حق‌التدریسی وجود ندارد. لذا لازم است با توجه به محق بودن این گروه در استخدام و نیاز دانشگاه فنی و حرفه‌ای و آموزش و پرورش به آنها بدون نیاز به تصویب قانون بر اساس اختیارات هریک از دو دستگاه در جذب نیروی مورد نیاز تعیین تکلیف شوند.

ز) جذب نیرو در آموزش و پرورش با روش غیررسمی مانند جذب نیروهای حق‌التدریسی، نیروهای شرکتی و آموزشیاران نهضت روندی ناعادلانه، زمینه‌ساز افت کیفیت و در تعارض با روش ساماندهی نیروی انسانی است. به همین دلیل آموزش و پرورش در برخی از دروس تخصصی و یا در برخی از مقاطع تحصیلی با کمبود نیرو و در بعضی مدارس با نیروهای مازادی مواجه است که بدون انجام کار حقوق دریافت می‌کنند. لذا هر بار که با مساعدت مجلس زمینه استخدام نیروهای حق‌التدریسی فراهم شد انتظار آن بوده است که به این روند خاتمه داده شود. به‌علاوه مصوبات پی‌درپی در مورد یک موضوع واحد موجب ابهام در برداشت از مفاد قانون و بلا تکلیفی مشمولین می‌شود و موجبات اعتراض گروه‌های دیگری را که تاکنون مشمول این قوانین نشده‌اند و یا از مصوبات نسبت به شرایط خود احساس تظلم می‌کنند را فراهم می‌نماید. به‌نظر می‌رسد که تصویب مواد (۱۶) و (۱۷) (الحاقیه دوم و سوم) در تسهیل شرایط برای سایر نیروهای موجود که تاکنون استخدام نشده‌اند کافی باشد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

به استناد فرمایشات مقام معظم رهبری در سیاست‌های کلی برنامه پنجم آموزش و پرورش موظف به اجرای تحول در حوزه‌های دانش، مهارت و تربیت است. تحول در این حوزه‌ها علاوه بر برنامه، روش و کتاب درسی، نیازمند معلمان کارآزموده و متخصص است. این نیاز با روش جذب مکرر معلمان حق‌التدریسی که هم‌اکنون عناوین زیادی را مانند معلمان حق‌التدریسی، آموزشیاران نهضت، معلمان دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل، نیروهای عشایری، مربیان پیش‌دبستانی، معلمان دارالقرآن‌ها، معلمان دانش‌آموزان استثنایی، معلمان خرید خدمت آموزشی به‌خود اختصاص می‌دهد مغایرت دارد. بنابراین پیشنهاد می‌شود کلیات طرح رد شود و به‌جای هرگونه اقدامی این امکان برای آموزش و پرورش فراهم شود که مانند هر دستگاه دیگری در انتخاب و به‌کارگیری نیروهای خود استقلال داشته باشد که هم‌اکنون طبق قانون این اختیار را داراست.